روزنامه شرق

یکشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۵
۲۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۱ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۱۵
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

عراقچی مذاکره را به پذیرش شروط گره زد

هنوز نیازی به دیدار با آمریکایی‌ها نیست

۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: رقابت نتانیاهو و آیزنکوت برای تشکیل دولت جدید • اعتراضات هالووینی در فرانسه • درباره «تاریخ اجتماعی ایران» اثر استفانی کرونین

سرمقاله

موافقان و مخالفان دکترین هسته‌ای ایران چه می‌گویند؟

کیومرث اشتریان

تغییر دکترین هسته‌ای ایران باید در سطحی ملی و تاریخی مورد بحث قرار گیرد و از جناحی‌شدن این بحث اجتناب کرد. نباید بحث علمی را به تابویی برای پژوهشگران تبدیل کرد. معضل استدلال در تصمیم‌گیری اتمی این است که برای هر استدلال متقنی، استدلال نامتقارن متقن دیگری وجود دارد. در اینجا سعی می‌کنم افق‌ها و منظرهای متضاد درباره سلاح اتمی را به بحث بگذارم و می‌دانم که باب سوءاستفاده و بدفهمی در چنین بحث‌هایی چقدر می‌تواند برای بوالهوسی‌ها و سوءمدیریت‌ها خطرناک باشد. در نوشته‌های پیش از این اشاره کرده‌ام که با تأکیدی که بر حرام‌بودن تولید سلاح هسته‌ای داریم، اینک باید بررسی کرد که این استراتژی تا چه حد کارآمد بوده است؟ آیا اثر سیاسی-نظامی-تبلیغاتی آن معکوس نشده است؟ آیا تغییرنیافتن دکترین هسته‌ای ما را در معرض تهدید بیشتر قرار نمی‌دهد؟ در مقابل آیا این تغییر ما را وارد مهلکه‌ای عمیق‌تر از زخم کهنه ۲۰ساله هسته‌ای نمی‌کند؟ آیا چین و روسیه مخالفت نخواهند کرد؟ همه این پرسش‌ها در جای خود قابل بحث است و نمی‌توان به‌سادگی از کنار آنها گذشت. در شهریور ۱۴۰۱ در مقاله‌ای به این بحث پرداخته‌ام. بحث امروز بازبینی‌شده همان بحث است و استدلال‌های له و علیه آن را بررسی می‌کنیم.

۱. برخی نگران تکثیر سلاح اتمی به خاورمیانه و مشخصا کشورهای عربی هستند. بمب اتم سلاحی است که بیش از هر چیز مسئولیت بین‌المللی را الزامی می‌کند. برخی معتقدند که علی‌رغم برج‌های برافراشته و کاخ‌های پرزرق‌وبرق و مخازن پرثروت، این کشورها هنوز نوعی بی‌مسئولیتی ذاتی در سیاست خود دارند و فاقد اهلیت بین‌المللی لازم برای داشتن سلاح‌های هسته‌ای هستند. در چنین رژیم‌هایی، ثروت و قدرت رسمی به لایه‌های داعشی‌ای تکثیر می‌یابد که به ناامنی دیگری دامن می‌زند. بمب ایرانی، بمب عربی را توجیه می‌کند. فردا روزی چه تضمینی وجود دارد که بمب اتمی داعشی نداشته باشیم، بدون اینکه مسئولیت بین‌المللی را متوجه رژیم سیاسی آنان کند. در مقابل پاسخ داده می‌شود همین الان هم موساد و سیا ظرفیت چنین کاری را دارند، تغییر دکترین هسته‌ای ایران تفاوتی در این موضوع ایجاد نمی‌کند. استدلال دیگر این است که برای انتقال از یک برنامه هسته‌ای دولتی به سلاح در اختیار یک سازمان تروریستی، باید مراحل و شرایط متعددی فراهم شود؛ ازجمله دسترسی به مواد هسته‌ای، امکان حفظ و کنترل آنها، توان فنی لازم و عبور از موانع امنیتی. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اما خطر دسترسی مجرمان یا تروریست‌ها به مواد هسته‌ای را جدی می‌داند.

۲. استدلال دیگر مخالفان اتمی‌شدن ایران این است که این احتمال وجود دارد که دستیابی به سلاح هسته‌ای مخالفت چین و روسیه را برانگیزد، دسترسی به فناوری و سرمایه خارجی را محدودتر کرده و روابط تجاری با بسیاری از کشورها را دشوارتر کند یا اینکه حتی همکاری‌های نظامی کشورهای منطقه را به سمت ترتیبات جدید سوق دهد. وانگهی در برابر دستیابی به سلاح هسته‌ای، «تنبیه جهانی» سنگین است و نمی‌توانید هزینه‌های آن را بپردازید و دوباره در دور باطل تحریم‌ها گرفتار می‌شوید؛ بدتر از کره شمالی. البته این سخنی است مستظهر به تجربه. در مقابل اما استدلال این است که مگر الان از کمند تحریم‌ها رهایی یافته‌ایم؟ و مگر با توجه به پیچیدگی سیستم حقوق اساسی در آمریکا برای سال‌های طولانی دیگر درگیر آن نیستیم؟

۳. استدلال موافقان تغییر دکترین هسته‌ای این است که احتمال کاربرد بمب اتم توسط آمریکا و اسرائیل در جنگ با ایران اینک دیگر مقوله‌ای دور از ذهن نیست. در سال ۱۴۰۱ که این بحث را مطرح کردم، اساسا حمله اتمی به ایران دور از ذهن می‌نمود، اما امروزه این بحث را حتی در آمریکا و اسرائیل در سطح رسانه‌ای نیز مطرح می‌کنند. در آمریکا نیز نگرانی‌هایی درباره احتمال استفاده از سلاح هسته‌ای علیه ایران مطرح شد، اما رئیس‌جمهور آمریکا در اظهارات عمومی خود گفت که استفاده از سلاح هسته‌ای را لازم نمی‌داند و در پاسخ به پرسشی درباره استفاده از آن، این گزینه را رد کرد. با این حال، تا بحثی درون سطوح حاکمیتی مطرح نباشد، به رسانه‌ها نمی‌رسد. همین بحث رسانه‌ای خود حاکی از آن است که این بحث در نظام تصمیم‌گیری آنها مطرح است؛ نه به دلیل اینکه ایران به ساخت بمب اتمی نزدیک شده است، بلکه به این دلیل که نتوانسته‌اند ایران را در دو جنگ اخیر شکست دهند.

ادامه در صفحه ۵

دستور فرمانده کل قوا برای واکنش به هر سطح و نوع از تهدید

پاسخ فوری و بدون محدودیت جغرافیایی

فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، فرمانده معظم کل قوا دیدار کردند. رهبر انقلاب در این دیدار، «آمادگی رزمی هوشمندانه برای مقابله پرقدرت با دشمنان» را از الزامات «بازدارندگی حداکثری» دانستند و مقرر کردند هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود. حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای تصریح کردند: اگر دشمنان مجددا حملات نظامی یا تروریستی را شروع کنند، این نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و ملت ایران هستند که زمان و شرایط پایان آن را تعیین می‌کنند.

فرمانده کل قوا همچنین بر تقویت معماری اطلاعات نظامی، تعمیق دفاع بومی در دو حوزه «دکترین» و «تاکتیک»، رشد توانمندی‌های روزآمد دفاعی و امنیتی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و تقویت بنیه معنوی و روحیه جهادی هم‌زمان با تلاش بی‌وقفه برای تأمین نیازهای معیشتی و پشتیبانی از نیروهای مسلح، تأکید کردند. در بخش دیگری از تدابیر فرمانده کل قوا مقرر شد بانک اهداف به نحوی به‌روزرسانی شود که انواع دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن آمریکایی-صهیونی در تیررس نیروهای مسلح قرار گیرد.

ایشان حمایت ملی از نیروهای مسلح را از ارکان بازدارندگی در برابر بیگانگان ایران‌ستیز و مزدوران داخلی آنها دانستند و اضافه کردند: حضور هشت‌ماهه ملت مبعوث در میادین، امتدادبخش دفاع مقدس هشت‌ساله است که به موازات پایمردی نیروهای نظامی، انتظامی و بسیجی از تمامیت سرزمینی ایران و نظام اسلامی حفاظت کرده است و خواهد کرد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با قدردانی از استواری هوشمندانه جبهه مقاومت در کشورهای مختلف، وحدت ساحات را متغیری تعیین‌کننده با تأثیر راهبردی در شکل‌دهی به نظم جدید سیاسی و امنیتی در غرب آسیا دانستند و ابراز امیدواری کردند این نظم جدید زمینه روزافزون اتحاد ملت‌ها و دولت‌های اسلامی را برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی فراهم کند.

گزارش یک را در صفحه ۲ بخوانید

واکاوی چشم‌انداز جنگ و صلح تهران-واشینگتن در گفت‌وگو با عباس ملکی

تکلیف نهایی ایران در قبال آمریکا را منافع ملی مشخص می‌کند

این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: سهند تاکی، شرق

نشست وزرای خارجه گروه ۲۰ زیر سایه اختلاف بر سر روسیه به پایان رسید

آتلانتا؛ بدون عکس، بدون توافق

صفحه ۴

یادداشت

امنیت ملی از اعتماد عمومی آغاز می‌شود

جواد امام

در روزهایی که احتمال تشدید تنش در منطقه و رفتارهای ماجراجویانه دولت سفاک اسرائیل نگرانی‌هایی جدی ایجاد کرده، طبیعی است توجه افکار عمومی به تحولات سیاسی این کشور و تصمیم‌های احتمالی بنیامین نتانیاهو معطوف شود. اما مسئله اساسی برای ایران، فقط این نیست که نتانیاهو چه خواهد کرد یا تحولات سیاسی اسرائیل چه اثری بر معادلات منطقه‌ای می‌گذارد؛ پرسش مهم‌تر این است که ایران با چه میزان آمادگی، انسجام و سرمایه اجتماعی با تهدیدهای خارجی مواجه می‌شود؟ رفتار اسرائیل باید با دقت و واقع‌بینی رصد شود. آمادگی دفاعی، بازدارندگی مؤثر و دیپلماسی فعال، ضرورت‌هایی انکارناپذیر هستند؛ با این حال، هیچ‌یک را نمی‌توان مستقل از وضعیت داخلی کشور ارزیابی کرد. قدرت ملی فقط در توان نظامی یا شدت مواضع رسمی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه به رضایت اجتماعی، انسجام و کارآمدی مدیریتی، تاب‌آوری اقتصادی و احساس مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود نیز وابسته است.

تهدید خارجی، جایگزین اصلاحات داخلی نیست

تهدید خارجی واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، اما تبدیل آن به توجیهی برای چشم‌پوشی از مشکلات داخلی، خطایی راهبردی است. کشوری که با فشار خارجی مواجه است، بیش از هر زمان دیگری به عدالت، احترام به حقوق شهروندان، پاسخ‌گویی مسئولان و امکان مشارکت مؤثر مردم نیاز دارد. مردم زمانی احساس تعلق و مسئولیت مشترک می‌کنند که خود را نه تماشاگر تصمیم‌های کلان، بلکه صاحبان حق و بخشی از فرایند تصمیم‌گیری بدانند. از این‌رو، هر راهبردی برای مواجهه با تهدید خارجی که به بازنگری در سیاست داخلی بی‌اعتنا باشد، بخشی از ظرفیت قدرت ملی را نادیده می‌گیرد.

زمان بارکشی و سهم‌خواهی نیست

امروز خطری که متوجه ایران است، جدی‌تر از آن است که عده‌ای به دنبال یارکشی، تبلیغات انتخاباتی، بازسازی چهره‌های سیاسی، جبران ناکامی‌های گذشته و برخوردارشدن از سهم بیشتری از قدرت باشند. در چنین شرایطی، صرف منابع کشور برای رقابت‌های سیاسی، نمایش‌های تبلیغاتی و بازتولید موقعیت‌های فردی، به جای تأمین رفاه مردم، تقویت زیرساخت‌ها و افزایش تاب‌آوری ملی، اقدامی نابجا و پرهزینه است. منابع محدود ایران باید پیش از هر چیز صرف امنیت مردم، رفاه عمومی، حفظ زیرساخت‌های حیاتی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و آماده‌سازی کشور برای عبور از بحران‌های احتمالی شود، نه آنکه در مسیر بازسازی چهره‌ها، سهم‌خواهی‌های سیاسی یا جبران ناکامی‌های گذشته هزینه شود. در شرایطی که تهدید خارجی جدی است، منافع ملی باید بر منافع جناحی، انتخاباتی و شخصی مقدم باشد.

پایان دوقطبی‌سازی، آغاز انسجام ملی

نخستین گام، پایان‌دادن به دوقطبی‌سازی‌های فرساینده و تقسیم جامعه به خودی و غیرخودی است. اختلاف‌نظر سیاسی، نقد عملکرد مسئولان و مطالبه اصلاحات، به‌خودی‌خود تهدید امنیت ملی نیست؛ آنچه جامعه را آسیب‌پذیر می‌کند، تبدیل اختلاف‌ها به دشمنی، برچسب‌زنی، محدودکردن غیرضروری فضای عمومی و محروم‌کردن بخش‌هایی از جامعه از مشارکت سیاسی و مدنی است. تریبون‌های رسمی و جریان‌های سیاسی، به‌ویژه در شرایط حساس منطقه‌ای، باید از ادبیات تحریک‌آمیز و رفتارهای شکاف‌افکن پرهیز کنند. نمی‌توان از مردم انتظار همراهی داشت، ولی صدای منتقدان را نادیده گرفت یا مطالبات قانونی آنان را با سوءظن پاسخ داد. تقویت نهادهای مدنی، احزاب، رسانه‌ها و تشکل‌های مستقل نیز ضروری است. این نهادها، در صورت برخورداری از امکان فعالیت قانونی، مانعی در برابر امنیت نیستند؛ بلکه ظرفیت جامعه برای گفت‌وگو، حل اختلاف و مدیریت بحران هستند. فعال‌بودن راه‌های قانونی بیان اعتراض و انتقال مطالبات، امکان اصلاح خطاها را پیش از تبدیل‌شدن آنها به بحران‌های عمیق افزایش می‌دهد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

خانه‌ریز و خطای درشت

ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

«خانه ریز» عنوان طرحی است که اخیرا در حوزه مسکن به اجرا درآمده است. در سال‌های گذشته طرح‌های متعددی در این حوزه معرفی شده و هرکدام شاید اندک تأثیری از خود بر جای گذاشته‌اند، اما معضل مسکن همچنان حل‌نشده باقی مانده و روز به روز بر شدت بحران اضافه شده است. حال این پرسش بجا مطرح می‌شود که این طرح جدید چه کمکی به حل بحران خواهد کرد؟ پیشنهاددهندگان چنین طرح‌هایی به این واقعیت توجه دارند که اولا منابع نقدی نیازمندان واقعی مسکن حتی با کمک تسهیلات بانکی هم برای خرید مسکن کفایت نمی‌کند و ثانیا رشد قیمت مسکن به‌گونه‌ای است که اگر آنها نقدینگی اندک خود را در پربازده‌ترین فرصت‌های سرمایه‌گذاری به کار بیندازند، باز هم در آینده توان خرید مسکن نخواهند داشت؛ زیرا سرعت رشد قیمت مسکن کلیه تلاش‌های آنان را بی‌اثر خواهد کرد. پس باید فرصتی به صاحبان نقدینگی‌های خرد داده شود که اگر نمی‌توانند یک واحد مسکونی کامل بخرند، حداقل بخشی از آن را بخرند تا ارزش دارایی‌هایشان حفظ شود. کلیات این طرح را می‌توان با همان طرح‌های گذشته مانند فروش متری مسکن و تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری مسکن و ساختمان یکی دانست، هرچند در شیوه‌های اجرا تفاوت‌های اندکی وجود داشته باشد. از این‌رو پرسش اشاره‌شده در مقدمه یادداشت را باید با پرسشی مقدم‌تر جایگزین کرد: چرا طرح‌هایی از نوع راه‌اندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری مسکن و ساختمان نتوانستند تغییر محسوسی در شرایط بازار مسکن ایجاد کنند؟ به بیان دیگر این طرح جدید چه تفاوتی با طرح‌های ناموفق قبلی دارد؟ کاستی بنیادین که در همه طرح‌هایی از این قبیل در حوزه مسکن مشاهده می‌شود، این است که قدرت مخرب تقاضای سفته‌بازانه را به‌کلی نادیده می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین خطاهای سیاست‌گذاران اقتصاد کشور در دهه‌های گذشته این بود که اجازه دادند مسکن به‌عنوان یک کالای به‌اصطلاح سهل‌البیع در سطح اقتصاد ملی معرفی شود. نتیجه این بی‌توجهی این بود که نقدینگی مازاد خلق‌شده در اقتصاد که البته آن‌هم نتیجه یک‌سری بی‌توجهی‌های دیگر بود، به بازار مسکن سرازیر شد و به این ترتیب سهم تقاضای سفته‌بازانه در بازار مسکن شهر تهران از ۲۲ درصد در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به بیش از ۸۰ درصد در سال ۱۴۰۰ رسید. این هجوم گسترده نقدینگی موجبات رشد نجومی قیمت مسکن را فراهم کرده و اقشار کم‌درآمد را از خرید مسکن محروم کرد. در قالب تصویری ساده از عالم واقع، آنچه را در بازار مسکن در بیش از چهار دهه گذشته اتفاق افتاده است، می‌توان در چند جمله خلاصه کرد: سیاست‌های کلان اقتصادی ناکارآمد منجر به خلق پول آن‌هم در مقیاس وسیع شده، دولت مانعی بر سر راه هجوم نقدینگی به بازار مسکن قرار نداده، قیمت مسکن افزایش یافته و نیازمندان واقعی مسکن قدرت خرید مسکن را از دست داده‌اند. در مقابل این اتفاق، سیاست‌گذاران حوزه مسکن فقط تلاش کرده‌اند با افزایش سقف وام مسکن کفه ترازو را به نفع نیازمندان واقعی سنگین‌تر کنند. اما طبعا مسابقه بین قیمت مسکن و سقف وام مسکن هرگز نمی‌تواند تضمین‌کننده منافع نیازمندان مسکن باشد؛ زیرا بخش قابل‌اعتنایی از همین وام‌ها هم در اختیار کسانی قرار گرفته که تقاضایشان برای مسکن از نوع تقاضای سفته‌بازانه بوده است. به بیان دیگر، افزایش وام مسکن به ضرر نیازمندان واقعی تمام شده است. اما طنز تلخ ماجرا این است که سیاست‌گذاران دلاورمان وقتی از خانه‌دارکردن مردم از طریق وام مسکن ناامید شدند، به‌جای ریشه‌یابی این مشکل، به این فکر افتادند که با پرداخت وام ودیعه مسکن به نیازمندان مسکن کمک کنند و البته ناگفته پیداست که حتی چنین دلسوزی‌هایی هم مشکل نیازمندان را حل نکرد؛ زیرا با این وام فقط رونق بازار مسکن استیجاری افزایش یافته و منجر به تشویق سفته‌بازان می‌شود. در سوی دیگر میدان، بعد از ارائه طرح فروش متری مسکن و عدم توفیق محسوس طرح، به این فکر افتادیم که لابد خرید یک متر مسکن تناسبی با توان نیازمندان ندارد و حالا قرار شده فرصت خرید سانتی‌متری برایشان ایجاد شود! و می‌توان انتظار داشت اگر توفیقی کسب نشد، در قدم بعدی فرصت خرید میلی‌متری مورد توجه مسئولان قرار بگیرد. به‌راستی ایراد کار کجاست؟ به باور نگارنده ایراد در بی‌توجهی به اهمیت تقاضای سفته‌بازانه خلاصه می‌شود. مسئولان رشد قیمت مسکن را حتی اگر رشدی انفجاری باشد، یک اتفاق معمولی در بازار می‌پندارند. یعنی بازار مسکن هم مثل هر بازار دیگر با تغییرات قیمت نسبت به تغییر عرضه و تقاضا واکنش نشان می‌دهد، پس جای نگرانی نیست. اما نکته این است که هرگز نباید مسکن را با بسیاری از کالاهای دیگر که مورد تقاضای شهروندان است، مقایسه کرد. با این دید باید گفت اگر راه خروجی از تله افزایش نجومی نقدینگی نداریم، که البته بحث مستقلی لازم دارد، حداقل باید مانع از جاری‌شدن سیلاب نقدینگی به بازار مسکن می‌شدیم.

ادامه در صفحه ۴

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از گره‌های متعدد و قوانین مزاحم تخصیص ارز واردات

تجارت مستأصل

۳

شکل‌های زندگی: یادی از شاهرخ مسکوب

مسکوب به چهره پاسخ می‌دهد

۷

گزارش «شرق» از حواشی جشن هالووین در خیابان ایرانشهر تهران

شب ملتهب ایرانشهر

۵

برای این روزها که نگران فردا هستیم

با ذهن چندپاره چه کنیم؟

۸

نگاه

منتظر زلزله ۷ ریشتری در ایران باشیم؟

یادداشتی از مهدی زارع

۸

نبرد پرامپت‌ها نه جنگ اندیشه‌ها

یادداشتی از فرهاد نوائی

۶

یادداشت

پزشکیان و انتخابات آمریکا

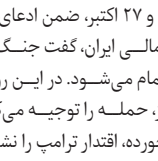

روزبه کردونی

در تاریخ بوده‌اند رؤسای جمهوری که در روزهای خصومت، مردم کشور رقیب را مستقیم مخاطب قرار داده‌اند تا میان آنچه درباره کشورشان گفته می‌شود و آنچه خود برای گفتن دارند، راهی باز کنند. امروز که ایران هدف تهدیدات نظامی است، روایتگری از ایران نیز بخشی از مسئولیت دفاع از کشور است. اکنون رئیس‌جمهور پزشکیان در برابر چنین مسئولیتی قرار دارد. او هم رئیس‌جمهور است و هم رسانه. وقتی ترامپ تصویر ایران را مصرف انتخاباتی می‌کند، حضور پزشکیان در عرصه رسانه مسئولیتی ملی است برای گفت‌وگو و پاسخ مستند به ادعاها و روایت ایرانی که هم مقاوم است و هم صلح‌طلب.

۱. هدف ترامپ، بهره‌برداری انتخاباتی از تصویر ایران به‌مثابه تهدید است. سخنان یک ماه گذشته ترامپ، شواهدی برای این ارزیابی فراهم می‌کند: ۱۲ اکتبر، ایران را «حامی شماره یک تروریسم» خواند و پایان جنگ را به کاهش قیمت بنزین گره زد؛ ۱۷ اکتبر، مدعی نابودی ظرفیت هسته‌ای ایران شد؛ ۲۳ اکتبر، احتمال عملیات دیگری را مطرح کرد؛ و ۲۷ اکتبر، ضمن ادعای شکست نظامی و مالی ایران، گفت جنگ «هر وقت بخواهم» تمام می‌شود. در این روایت، ایرانِ تهدیدآمیز، حمله را توجیه می‌کند، ایرانِ شکست‌خورده، اقتدار ترامپ را نشان می‌دهد و وعده پایان جنگ، به وعده بهبود معیشت تبدیل می‌شود. واقعیت این است که این روایت، تصویری وارونه و دروغین از ایران می‌سازد؛ اما وارونگی آن خودبه‌خود برای مخاطب جهانی آشکار نمی‌شود.

ادامه در صفحه ۵

برادر ارجمند جناب آقای مهندس زنگنه

درگذشت مادر گرامی‌تان را تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند متعال برای آن مرحومه، علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر آرزومندیم.

رامین خسروخاور، مهدی رحمانیان، روزبه خسروخاور